



خبرنامه

کانون زندانیان سیاسی ایران (در تبعید)

فبری سیاسی

دوره جدید، شماره ۵۶

۸ بهمن ۱۳۸۲ - ۲۸ ژانویه ۲۰۰۴

مادر لباس ها را گرفت و گفت: ((هفت سال مرا از کرج به اوین کشانید و هر بار پرسیدم، دفترم کی آزاد می شود؟ گفتید: بزودی. حالا بی آنکه نشانی گورش را بدهید، تنها لباس هایش را تعویض می دهید! لباس های او را بر آستانه در خانه مان آوریم می کنیم تا یادمان نرود شما با ما چه کردید!))

شورا، ابزاری برای استقرار دمکراسی به معنای واقعی

در نقاب اکتبر روسیه در سال ۱۹۱۷ محدود می کنند. تجربه تاریخی شوراها در ایران به دوران قیام ضدسلطنتی مردم ایران در سال ۵۷ می رسد. در پی رشد مبارزات توده ای علیه رژیم سلطنتی، توده های مردم به سوی شیوه های واقعا مردمی اداره جامعه روی آوردند و نهادهای شورائی را در کارخانه ها، موسسات تولیدی، اداری و خدماتی ایجاد کردند. این نهادها قیام را به ثمر رساندند، مبارزه و اعتصابها را سازمان دادند و تعاون انقلابی ایجاد کردند. اما همانقدر که حکومت سرمایه داری مذهبی جمهوری اسلامی مستقر شد، شوراها دیگر ابزاری مخمل محسوب می شدند و چون مقابله با آنها کار ساده ای نبود، آنها را دور زدند و از بقیه صفحه ۲

در مورد استقرار نظام شورائی و تاریخچه تشکیل شوراها و کارکرد آنها مباحثات زیادی در دوره های اخیر انجام گرفته است. تاریخ پیدایش شوراها با برملا شدن ماهیت ضد مردمی نظام سرمایه داری و شکل سیاسی متناسب آن یعنی پارلمانتاریسم یکسان پنداشته می شود. در حالی که روزنبرگ کمون های قرون وسطی، کانتون ها دهقانی سویس و شوراهای روسیه را با یکدیگر مساوی قرار می دهد، نویسنده دیگری حتما قانون "هورتزی" سال ۲۸۷ قبل از میلاد مسیح که سازمان محرومین را بعنوان یک موسسه قانونی دولتی می شناخت اولین نطفه های عقاید شورائی می داند. نویسندگان دیگر مفهوم شوراها را به چند پدیده تاریخ جدید، مانند شورای سربازان انگلیس در قرن ۱۷ و کمون پاریس در انقلاب فرانسه در سال ۱۸۷۱ و شوراها

خودسوزی پناهجوی ایرانی در مالزی

غلامحسین انوری پناهجوی ۵۰ ساله ایرانی که روز سه شنبه ۷ بهمن برابر با ۲۷ ژانویه، در مقابل دفتر کمیساریای پناهندگی سازمان ملل در کوالالامپور اقدام به خود سوزی کرده بود، چند ساعات بعد در بیمارستان در گذشت. غلامحسین انوری پیش از اقدام به خود سوزی یک نامه ۵ صفحه ای خطاب به مطبوعات ارسال کرده و انگیزه خود را برای این امر توضیح داده بود. مطبوعات و رسانه های مالزی ۴۸ ساعت قبل از خودسوزی این پناهجوی ایرانی، از قصد او برای خودسوزی مطلع بودند و پلیس را هم در جریان گذشته بودند، اما تدابیری برای جلوگیری از این فاجعه صورت نگرفت. غلامحسین انوری در نامه خود اعلام داشته بود که وی از بلوچستان ایران بوده و در سال ۲۰۰۱ با یک گذرنامه پاکستانی از ایران خارج و به مالزی آمده است. در مالزی خود را به کمیساریای پناهندگان سازمان ملل معرفی کرده و پس از یکسال جواب درخواست پناهندگی وی توسط این سازمان رد شده و پرونده وی نیز بسته می شود. غلامحسین بسته شدن پرونده پناهندگی و سایر مشکلات زندگی را عاملی برای پایان دادن به زندگی خود اعلام کرده بود. روز سه شنبه ۷ بهمن، غلامحسین در مقابل جمع خبرنگارانی که شاهد ماجرا بودند اقدام به خود سوزی کرد.

امور بین الملل کانون زندانیان سیاسی ایران (در تبعید) بعد از اطلاع از خبر خودسوزی و مرگ غلامحسین انوری، طی ارسال نامه ای برای دفتر مرکزی کمیساریای عالی پناهندگی سازمان ملل در ژنو، ضمن اعتراض به سخت گیری دفاتر این سازمان در کشورهای ترکیه، پاکستان، آذربایجان، هند و مالزی نسبت به پناهجویان ایرانی، مسئولان این سازمان در مالزی را مسبب مرگ غلامحسین انوری دانست. در نامه های مشابهی به سازمان عفو بین الملل و سازمان نظارت بر حقوق بشر در خاورمیانه، امور بین الملل کانون خواستار بررسی مرگ غلامحسین انوری و فشار این نهادها به کمیساریای عالی پناهندگی سازمان برای تغییر سیاست های سختگیرانه آن در ارتباط با پناهجویان ایران شد. در بخشی از این نامه های آمده است: سیاست های غلط کمیساریای عالی پناهندگی سازمان ملل تاکنون موجب مرگ دهها پناهجوی ایرانی شده است. چه کسی باید پاسخگوی مرگ این انسانها باشد؟ چه کسی باید مسئول مرگ صدها پناهجویی باشد که در دریاها غرق می شوند؟

اخبار مربوط به مردم، زندانیان سیاسی، نقض حقوق بشر، اعتراضات کارگری، اعتراضات معلمان، اعتراضات توده ای، اعتراضات دانشجویی و پناهندگی را در سایت کانون زندانیان سیاسی ایران (در تبعید) بخوانید.

زمینه های قتل عام زندانیان سیاسی

اسماعیل حق شناس

قسمت چهارم

شده و دیگر نخواهیم توانست مثل سابق جو زندان را در دست بگیریم. ۲- هرکس مختار است نسبت به تحلیل اش در مورد وضع سیاسی کشور و موقعیت جنبش و انقلاب در ماندن یا آزاد شدن از زندان تصمیم بگیرد. بعد از متلاشی شدن تشکیلات زندان بچه ها به طور خود بخودی در محفل های چند نفره جمع شدند. شکل گرفتن محفلهای امری عادی بود اما زندانیان با کمک توابعی سعی بر آن داشتند که محفلهای را هم از بین ببرند. آن موقع معتقد بودیم بدون آنکه بخواهیم از مواضع سیاسی خاصی حمایت کنیم، مقاومت منفی خط تواب نمائی را در زندان بشکنیم.

بقیه صفحه ۳

ماندن در آن وضعیت جانکاه و فرساینده بود. معلوم نبود تا چه مدت بتوانیم دوام بیاوریم. یا دیوانه می شدیم، یا می مردیم و یا چنان می بردیم که با زندانیان همکاری اطلاعاتی می کردیم. راه دیگری وجود نداشت. برای ما سخت بود بعد از تحمل آن همه شکنجه حتی به کمترین خواسته زندانیان یعنی تعهد به رعایت مقررات بند تن در دهیم (۱). شبها بعد از آنکه نگهبان درب سلول را قفل می کرد و برای خواب می رفت، دور هم جمع می شدیم و ساعت ها و گاهی تا صبح نشست می گذاشتیم. هرکس برای خارج شدن از این وضعیت تحلیل و راه حلی پیشنهاد می کرد. بعد از چندین جلسه بحث و تبادل نظر به این نتیجه رسیدیم که: - کنترل فضای بند چهار از دست ما خارج

به کمپین بین المللی کانون زندانیان سیاسی ایران (در تبعید) برای لغو کامل حکم اعدام کبرا رحمانپور به پیوندید. در هر شهر و کشوری که هستید به روزنامه ها، احزاب مترقی، نهادهای حقوق بشر و ... مراجعه و از آنها بخواهید، خبر را در سطح وسیعی منعکس کنند و با ارسال نامه رژیم را برای لغو کامل حکم اعدام کبرا تحت فشار قرار دهند.

از هم اکنون باید در تدارک دادگاه سران جمهوری اسلامی به جرم بنایت علیه بشریت و عاملین شکنجه و اعدام و کشتار دهها هزار دکراندیش سیاسی و فرهنگی، مردم کوچه و فیابان مبتنی بر معیارهای ویژه یک جامعه انسانی بود که در فردای واژگونی رژیم، نقطع عطفی باشد برای دادخواهی و اجرای عدالت و مبارزه برای نفی زندان و شکنجه و اعدام و سرکوب در ایران.

زندانی سیاسی آزاد باید گردد!

شورا، ابزاری...

طریق ایجاد یک نظام نمایندگی صوری شوراها را از معنا و مفهوم واقعی خود تهی کردند. شوراها گونه‌ای از اشکال سازمان اجتماعی تلقی می‌شوند که توده‌ها از طریق آنها امور مربوط به خود را اداره می‌کنند و در گزینش‌ها مربوط به آنها خود به طور مستقیم و بلاواسطه تصمیم می‌گیرند. برای شناخت سرشت واقعی شوراها بهتر است آنها را با شکل‌های موجود سازماندهی حکومت در دوران سرمایه‌داری مقایسه کنیم. طبیعی است با تفاوت‌هایی که میان طبقات اجتماعی و اهدافشان وجود دارد، سازمانهای متناظر نماینده آنها هم باید متفاوت باشند. اصول پارلمانی مبتنی بر نمایندگی و اعمال آن نوع از شیوه‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی است که به تراکم قدرت در دست عده‌ای محدود بیانجامد و اکثریت عظیم توده‌های مردم را از مشارکت در امور جامعه کنار بگذارد. این نوع از سازماندهی اجتماعی متکی به شناخت رویاروی و مشخصی نیست و دموکراسی و نمایندگی را تبدیل به بازی دموکراتیک می‌کند. نقش توده مردم در چنین نظام اجتماعی به تولیدکنندگان بی‌اختیار تنزل می‌یابد که یگانه وظیفه آن رفتن به پای صندوق‌های رای برای انتخاب یک اقلیت متخصص و سیاستمدار است. به این طریق نظام مبتنی بر پارلمان تقسیم کاری را در کل جامعه بوجود می‌آورد که به تسلط نمایندگان طبقه حاکم بر توده مردم می‌انجامد. سرشت کار نمایندگان در نظام‌های پارلمانی تامین سلطه طبقاتی نظام سرمایه‌داری بر موکلین خود است. در سازماندهی شورائی، تسلط نمایندگان بر موکلین خود از بین می‌رود زیرا پایه این تسلط، یعنی تقسیم وظایف از بین می‌رود. سازماندهی اجتماعی کار توده‌های کارگر و مزدبگیر را، بر خلاف نظام پارلمانی که تمام توجه او را به مسائل شخصی معطوف می‌دارد به نحوی که بتواند کاری بپاید و آن را حفظ کند، وادار می‌کند همه توجه خود را به امر اجتماعی و به کل تولید معطوف نماید. در اینجا مسئله عبارت از رویارویی مستقیم انسان با امور مربوط به خود او است. انسان شناخت جامعه را در جوهرش می‌شناسد. در نظام سرمایه‌داری دید او به اموری که "مستقیماً" به او و خانواده او مربوط می‌شود، محدود می‌گردد. جامعه در چشم او قابل رویت نیست. بر عکس در نظام مبتنی بر شورها، جامعه در روشنایی کامل به چشم دیده می‌شود. ساخت فرایند اجتماعی کار دیگر در چشم انسان پوشیده و غریبه نیست. تولید اجتماعی تحت سازماندهی آگاه قرار دارد و اوست که بر جامعه اثر می‌گذارد. در نظام پارلمانی دستگاه سیاسی و موسسات اجتماعی و اقتصادی جدا از هم هستند و مردم از جمع‌های پراکنده تشکیل می‌شوند. از این نقطه نظر، سازماندهی شورائی تماماً متضاد با پارلمان‌گرایی است. شوراها گروه‌های طبیعی متشکل از توده مردم است که با هم کار می‌کنند و بعنوان واحدهای اجتماعی نمایندگان و سخنگویان واقعی خود را بر می‌گزینند. دموکراسی کامل از طریق برابری حقوق تمام کسانی که در پروسه کار اجتماعی و تولید شرکت می‌کنند تامین می‌شود. در نظام شورائی، تمام کارها از طریق تبادل نظر مداوم،

مباحثه و تصمیم‌گیری انجام می‌گیرد. آنچه در شوراها انجام می‌گیرد اراده مشترک توده مردم است و تصمیمات نمی‌توانند به اجراء در آیند مگر آن‌که توده‌ها آن‌ها را بیان اراده خودشان بدانند. درست به عکس نمایندگان در نظام پارلمانی که خود را ملزم به مشورت با موکلین خود نمی‌دانند و برای اینکه به مشی خویش وفادار بمانند در جهت حفظ سلطه طبقه حاکم و منافع آن اقدام می‌کنند. آنها با رای اکثریت توده‌های کارگر و مزدبگیر انتخاب می‌شوند اما عملاً در خدمت منافع طبقه سرمایه‌دار قرار می‌گیرند. در نظام شورائی، این تمایز از بین می‌رود. تصمیم و اجرا کلاً به هم‌دیگر مربوط می‌شوند. آنانی که کار می‌کنند تصمیم می‌گیرند و آنانی که مشترکاً تصمیم می‌گیرند مشترکاً نیز آن‌ها را به مورد اجرا می‌گذارند. هنگامی که توده وسیعی در کار است، شوراها تصمیم‌گیرنده آن‌ها هستند. شوراها نهادهای خودجوش و خودسازماندهی توده‌ای هستند که در همه عرصه‌های کار اجتماعی و تولیدی ایجاد می‌شوند.

شورا مکانیسمی است برای نفی نظام طبقاتی و استقرار دموکراسی به معنای واقعی کلمه. دموکراسی شورائی هیچ وجه تشابهی با دموکراسی سیستم اجتماعی سرمایه‌داری ندارد. آنچه دموکراسی سرمایه‌داری نامیده می‌شود ظاهر آراسته‌ای از دموکراسی است، سیستم زیرکانه‌ای برای اخفای سلطه اقلیت حاکم بر اکثریت مردم استنثار شده. سازمان شورائی یک دموکراسی راستین، دموکراسی توده مردم کارگر و مزدبگیر است که آنها را بر کار و زندگی خویش مسلط می‌کند.

برای شورا، کم و بیش دو وجه عمده وجود دارد: سیاسی- اجتماعی و اقتصادی. از لحاظ سیاسی- اجتماعی به معنی فرار رفتن از فرمالیسم دموکراسی بورژوائی و پیاده کردن نظام واقعی مردمی است. از لحاظ اقتصادی به معنی فراتر رفتن از نظام تولید سرمایه‌داری و سازماندهی اجتماعی تولید است.

منابع

- تاریخچه جنبش شوراها- اسکار آن‌وایلر
- سازماندهی شورائی- پانه کک

پانزده دانشجوی به حبس محکوم شدند

پانزده دانشجوی مجتمع آموزشی ملایر با حکم دادگاه این شهرستان، به حبس محکوم شدند. سیدمحمد سیف‌زاده که وکالت دانشجویان را بعهدہ دارد و قرار است اعتراضیه‌ای نسبت به احکام صادره ارائه کند، در این زمینه گفت: موضوع اتهامی این افراد مربوط به تحصن‌هایی است که در جریان خردادماه به بعد رخ داد و دادگاه، یکی از این دانشجویان را به شش ماه حبس، تعدادی دیگر را به نود و یک روز حبس و مابقی دانشجویان را به جزای نقدی بدل از حبس محکوم کرده است. هرچند بعضی از این حبس‌ها را برای دو سال تعلیق کرده‌اند. وی تصریح کرد: این حکم عموماً برخلاف موازین شناخته شده حقوقی بوده و پس از خواندن پرونده نسبت به آن تجدیدنظر خواهی می‌کنند.

۶۰ درصد دختران فراری مورد تعرض قرار می‌گیرند

علیرضا جزایری، عضو گروه روانشناسی بالینی دانشگاه علوم بهزیستی، در گفتگو با خبرنگار اجتماعی خبرگزاری مهر با بیان این مطلب که پژوهش‌های انجام شده بر روی دختران فراری بیانگر این امر است که حدود ۱۸ درصد این دختران در همان روز اول و بیش از ۶۰ درصد آنها طی هفته اول مورد تعرض جنسی قرار می‌گیرند گفت: در این پژوهش ۱۱۰ دختر با سابقه فرار از منزل مورد مطالعه قرار گرفتند که ۳۰ دختر از میان فراریان در اماکن عمومی، ۴۰ نفر از مراکز بازپروری دختران بهزیستی و ۴۰ نفر از زندان‌ها انتخاب شده‌اند که ۹۲/۶۸ درصد این دختران سابقه دستگیری پس از فرار، ۶۸ درصد دارای سابقه گریختن، ۴۴ درصد سابقه تحویل به مراکز بهزیستی و ۷ درصد سابقه زندانی شدن داشته‌اند. وی افزود: بیش از نیمی از این دختران با هدف کسب پول و یا سرپناه در طول مدت فرار، تقریباً هر روز ارتباط جنسی داشته‌اند. ۳/۷ درصد این دختران ارتباط جنسی هم با مردان و هم با زنان را ذکر کرده‌اند و میانگین تعداد شرکای جنسی در دخترانی که هر روز ارتباط جنسی داشته‌اند حداقل ۱ و حداکثر ۱۰ نفر بوده است.

جزایری افزود: ۳۸/۹ درصد این دختران بدون داشتن هیچ برنامه‌ای برای تامین مخارج و ۵۰ درصد بدون داشتن هیچ سرپناه مشخصی برای سکونت پس از فرار (حداقل شب‌ها) از منزل گریخته‌اند. ۳۵/۲ درصد این دختران با برداشتن پول از منزل، ۲۰/۴ درصد کار کردن، ۳/۷ درصد قرض کردن، ۵/۶ درصد سرقت، ۷/۴ درصد خودفروشی، ۷/۴ درصد خرید و فروش مواد مخدر و ۵/۶ درصد زندگی با دوست پسر و یا ازدواج با آنها بوده است. جزایری افزود: محل مورد نظر سایر نمونه‌ها برای سکونت پس از فرار نیز ۳۳/۳ درصد منزل دوستان، ۳/۷ درصد خیابان و یا پارک، ۱۳ درصد مسافرخانه و یا اماکن مذهبی بوده است. وی در ادامه افزود: میانگین سنی این دختران در زمان اولین فرار حدود ۱۶ سال است که این امر اهمیت تمرکز اهداف پیشگیران ثانویه را در سنین نوجوانی و دختران سنین راهنمایی و یا دبیرستان، مشخص می‌نماید هر چند که دامنه گستره سنی زمان اولین فرار ۹ تا ۳۰ سال در کل نمونه‌ها و ۱۱ تا ۲۱ سال در نمونه‌های دارای سابقه ارتباط جنسی پس از فرار، این مطلب مهم را گوشزد می‌کند که دختران در هر سنی امکان فرار از منزل را دارند. بنابر این سایر گروه‌های سنی هر چند به اندازه نوجوانی در اولویت نیستند، اما باید مد نظر قرار گیرند. جزایری گفت: بررسی دخترانی که بیش از یکبار از خانه فرار کرده‌اند بیانگر این امر است که اکثر قریب به اتفاق آنها از طرف سرپرست و یا سایر اعضاء خانواده حداقل یکی از رفتارهای زیر شامل کتک زدن، توهین کردن، مراقبت شدید، زندانی کردن مسخره کردن و یادآوری مکرر اتفاقات گذشته و حتی عدم تمایل به پذیرش دختر آزار دیده‌اند و فقط ۱۴ درصد نمونه‌ها با برخورد مناسب والدین پس از بازگشت مه‌احه شده‌اند.

زمینه‌های قتل عام...

استدلال‌مان این بود که هر زندانی جدید که بعد از پشت سر گذاشتن بازجویی وارد بند می‌شد، وقتی می‌دید همه تواب هستند انگیزه مقاومت را از دست می‌داد. اکثر اینان اطلاعات لو نرفته در مورد افراد مختلف داشتند. در این دوران رژیم دیگر کسی را بخاطر نوشتن توبه نامه یا مصاحبه آزاد نمی‌کرد. تنها تخلیه کامل اطلاعات و دادن اطلاعاتی که در بازجویی‌ها گفته نشده بود، زندانی را در لیست عفو قرار می‌داد. بازجویان از همین طریق به اطلاعاتی دست پیدا می‌کردند که هرگز انتظارش را نداشتند. در بسیاری مواقع اطلاعاتی که زندانی بعد از بازجویی یا محاکمه می‌داد علاوه بر آنکه باعث دستگیری عده‌ای می‌شد، ممکن بود به اعدام خود او هم بیانجامد. متأسفانه بسیاری از سازمان‌ها، بخصوص مجاهدین، بدون آنکه کمترین آموزشی در مورد شیوه‌های بازجویی و حفظ اطلاعات و حتی مواضع تشکیلاتی و عقیدتی به هواداران خود بدهند، آنان را وارد یک جنگ مسلحانه بپیورده کردند. مجاهدی که قبلاً در فاز سیاسی فعالیت کرده بود، علاوه بر آنکه در باره دوستان تشکیلاتی خود اطلاعات داشت راجع به افراد غیرتشکیلاتی هم که کمک مالی کرده بودند یا به دلیل مخالفت با رژیم به نحوی به آنها کمک کرده بودند اطلاعات داشتند. وقتی می‌پرسیدند همه را لو می‌داند. این موضوع در بی اعتماد شدن مردم به گروه‌های سیاسی تأثیر داشت. رژیم بعد از یکسره کردن کار نیروهای تشکیلاتی، از سال ۱۳۶۳ به بعد به سراغ مردم و هواداران غیرتشکیلاتی رفت. سال ۶۳ به بعد اکثر زندانیان سیاسی از مردم عادی بودند که به طور غیرتشکیلاتی با گروه‌های سیاسی همکاری داشتند.

ما ۳۰ نفر زندانی، با وجود نقاط

مشترک زیاد، اختلافاتی هم در مورد وضعیت سیاسی جامعه داشتیم. اما این موضوع هیچگاه باعث نشد که همدیگر را تنها بگذاریم و یا با هم متحد نباشیم.

عده‌ای از بچه‌ها دچار این توهم شدند که حملات نظامی مجاهدین یک نقطه عطف است که می‌تواند جامعه را در موقعیت انقلابی قرار دهد. عده‌ای دیگر خلاف این را باور داشتند. زندان آئینه جامعه است و بخوبی می‌شود وضعیت اجتماعی و سیاسی جامعه را با توجه به تعداد زندانیان، چه سیاسی و چه عادی، و با نگاهی به علت دستگیری‌شان بخوبی تحلیل کرد. کثرت زندانیان عادی با جرائم جورواجور، گستردگی جرم در میان طیف‌های اجتماعی از جمله گسترش فقر، فحشا، اخلاص و اعتیاد حکایت از نارضایتی عمومی و از هم گسیختگی اجتماعی می‌کرد. کثرت زندانیان سیاسی اما حاکی از شدت سرکوب و تسلط رژیم بر مخالفین سیاسی بود. از سال ۶۳ بعد نود درصد زندانیان بند سیاسی به دلیل فعالیت‌های گذشته‌شان یعنی فعالیت در سالهای ۵۹ تا ۶۲ دستگیر شده بودند. ده درصد بقیه به دلایلی مثل خروج غیرقانونی، داشتن اسلحه و کتاب ممنوعه و یا مکالمه تلفنی (۲) با عراق یا کشور دیگری در مورد محل اصابت موشکها و بمب‌های صدام دستگیر شده بودند. از

مهمی در داخل کشور وجود نداشت و مردم به خانه‌هایشان برگشته بودند.

بالاخره بعد از چندین ماه تحمل بند مجرد ۴۹ به بند ۴ برگردانده شدیم. در آن مدت شرایط بند ۴ کاملاً عوض شده بود. زندانیان و توابعین جو داخل زندان را در کنترل داشتند. کلاس‌های عقیدتی کاملاً اجباری بود و مقاومتی برای شرکت نکردن در کلاس‌ها بین زندانیان وجود نداشت. زندان مملو از زندانیان تازه واردی بود که به دلایل مختلف مثل شعارنویسی، داشتن کتاب، گوش دادن به رادیوهای خارجی، اعتراض و اقدام به خروج از کشور دستگیر شده بودند و این خود نشانگر نارضایتی و فعالیت جوانان و مردم علیه رژیم بود. وضع داخل زندان آرام بود و هیچ اعتراضی نسبت به شرایط سخت زندان صورت نمی‌گرفت. برای هر یک از ما که به تازگی از بندهای انفرادی و مجرد به بند ۴ منتقل شده بودیم یک تواب مامور کرده بودند تا روابط ما با دیگران را زیر نظر بگیرد. حتی در حمام و توالت هم ما را رها نمی‌کردند. هر کس با ما هر چند کوتاه تماس می‌گرفت و یا صحبت می‌کرد، بلافاصله به دفتر زندان احضار می‌شد، مورد مواخذه قرار می‌گرفت و کتک می‌خورد. به این صورت ارتباط ما با دیگران و تازه واردین را قطع کردند.

در سال‌های ۶۵، ۶۶ و ۶۷، اداره اطلاعات با طعمه قرار دادن بعضی توابعین در سطح شهرها دام پهن می‌کرد. در داخل زندان هم همین کار را کردند. بازجویان و زندانیان از طریق تواب‌ها محفل و تشکیلات راه انداخته بودند. آن‌ها سود زیادی از آن محفل‌ها بردند و به این وسیله اطلاعات باقی‌مانده زندانیان را جمع‌آوری کردند. متأسفانه تعدادی از زندانیان قدیمی هم در دام افتادند و در سال ۶۷ اعدام شدند. اما به دلیل جو بی‌اعتمادی که بوجود آمده بود امکان افشای آن بر ایمن نبود.

حدود سال ۶۶، تغییر و تحولاتی در مدیریت و اداره زندان رخ داد. فردی که خود را تهرانی معرفی می‌کرد از طرف سازمان زندان‌ها مامور شده بود تغییراتی در زندان بدهد. اولین اقدام او قفل کردن در سلول‌ها بود. زندانی‌ها فقط روزی سه نوبت می‌توانستند از سلول‌ها خارج شوند. کلیه لباس‌ها و لوازم شخصی را جمع‌آوری کردند. حتی پتوهایی را که خانواده‌ها بر ایمن آورده بودند از ما گرفتند و مقرر کردند مو و سبیل زندانیان باید همیشه کوتاه باشد. این اقدامات ابتدا از بند ۴ شروع شد و بعد در بندهای عمومی اجراء شد. عادل آباد یک زندان عمومی است و هیچگاه چنین محدودیت‌هایی وجود نداشت. به این طریق می‌خواستند زندانیان را بیشتر تحت فشار قرار دهند. تعدادی از زندانیان بندهای ۲ و ۳ که از زندانیان قدیمی با حبس‌های طولانی بودند از اجرای مقررات جدید سر باز زدند. حتی بسیاری از ماموران شهربانی از اجرای آن‌ها ناراضی بودند زیرا کار و زحمت آنان را چند برابر می‌کرد. در بعضی موارد هم درگیری‌های شدیدی میان پاسداران و زندانی‌ها پیش آمد. احتمال یک شورش مانند شورش سال ۶۱ در زندان می‌رفت.

(۳)

پانویس:

۱- جمله مقررات بند رفتن به کلاس‌های آموزشی مثل احکام رساله و عقیدتی و نماز جماعت بود.

۲- طی موشک باران شهرها توسط صدام، مجاهدین با آشنایان و اقوام خود در ایران تماس می‌گرفتند و محل اصابت بمب‌ها و موشکها را از آنان سؤال می‌کردند. همین مسئله باعث دستگیری تعداد زیادی شد که به آنان "زندانی تلفنی" می‌گفتند.

۳- سال ۶۱ به دلیل خودکشی یک زندانی شورش بزرگی در عادل آباد اتفاق افتاد تا آنجا که ماموران با نصب تیربار ۳ راهرو و هشتی را به رگبار بستند. اگرچه کسی در آن شورش کشته نشد اما در دیوار پیر از جای گلوله بود. دست آخر دو نفر را بعنوان محرکین شورش به مدت ۴۸ ساعت در راهرو زندان به صلیب کشیدند.

۶۰ درصد دختران فراری...

در مجموع یافته‌های فوق نشان می‌دهد که این دختران به خانه‌هایی بازگردانده شده‌اند که شرایط قبلی منجر به فرار آنها تغییر نکرده و خانواده‌ها نیز فاقد مهارت‌های لازم برای برخورد با این دختران بوده‌اند. وی تصریح کرد: تعیین دقیق عوامل موثر بر فرار از منزل اعم از شرایط خانوادگی و یا روانی دختر، تلاش برای برطرف کردن و یا کاهش عوامل منجر به فرار از جمله اقدامات مشاوره‌ای، مددکاری و حمایتی در سطح خانواده و در سطح مدرسه و خانواده در باره شیوه برخورد با دختری که به منزل بازگشته، اطمینان از حفظ امنیت و سلامت دختر پس از بازگشت به منزل و در نظر گرفتن تدابیر قانونی در خصوص دخترانی که پس از فرار مورد خشونت قرار می‌گیرند و همچنین امکان ارتباط آسان دختر با مراکز مشاوره‌ای و حمایتی از دخترانی که خانواده به هر دلیل حاضر به پذیرش آنها نیست، از جمله راهکارهای پیشگیرانه از اقدام مجدد دختران از خانه است.

اعدام سه نفر از جمله یک زن

در دزفول، کرج و قزوین

رژیم جمهوری اسلامی دو نفر از جمله یک زن را در شهرهای دزفول، کرج و قزوین اعدام کرد. به گزارش روزنامه حکومتی ایران، دادگاه قزوین پس از محاکمه یک زن و شوهرش آنها را به اعدام، دهسال حبس، پنج سال تبعید و هشتاد ضربه شلاق محکوم کرد. دیوانعالی رژیم پس از بررسی، حکم اعدام زن را تأیید و قابل اجرا دانست و حکم همسر وی را جهت رفع ابهام به دادگاه بدوی ارسال کرد. به نوشته این روزنامه پس از تأیید حکم، صبح روز پنجشنبه دوم بهمن ماه این زن در محوطه زندان قزوین به دار آویخته شد. در این گزارش اتهام این زن و شوهر ذکر نشده است.

در همین حال گزارش شده که رژیم جوان بیست و پنج ساله‌ای به نام خدامراد را در دزفول در ملاعام به دار آویخته است

زندانیان را باید تعطیل کرد و به تفتیش عقاید، شکنجه و اعدام پایان داد!

آدرسهای تماس با کانون زندانیان سیاسی ایران (در تبعید)

AIPP in Exile
P.O.Box 786
St Marys 2760
N.S.W Australia

AIPP in Exile
P.O.Box 35662
A.B.Q.NM 87176-5662
U.S.A

AIPP in Exile
P.O.Box 95
123 22 Farsta
Sweden

AIPP in Exile
Postbus 14559
1001 LB Amsterdam
Holland

AIPP in Exile
Postfach 101520
50455 Koln
Germany

تلفن‌های تماس یا کانون

امور بین‌الملل 46 70 797 3808
امور پناهندگی 46 70 402 55 31
واحد سوئد 46 70 699 83 73
واحد استرالیا 61 2 962 31 924
واحد هلند 31 6 5491 7 385
واحد آلمان 49 174 582 3006
واحد آمریکا 1 505 688 15 03

فکس‌های کانون

46 8 605 2669
61 2 962 31 924
1 505 897 1666

پست الکترونیکی

aipp@kanoon-zendanian.org

صفحه اینترنت

www.kanoon-zendanian.org

کمک‌های مالی خود را به شماره

حساب پستی:

Postgiro: 647039-7 در سوئد

واریز و فیش بانکی را با کد مورد

نظر به یکی از آدرس‌های کانون

پست نمایند

Khabarnameh

The Newsletter of Association of Iranian Political Prisoners (in Exile)

تحصن کارگران ذوب مس خاتون آباده

به خشونت کشیده شد

تحصن کارگران شرکت ذوب مس خاتون‌آباد کرمان روز جمعه ۳ بهمن در پی حمله نیروهای سرکوبگر گارد ویژه رژیم به خشونت کشیده شد. در جریان این حمله چهار تن کشته و تعدادی مجروح شدند. مدیریت ذوب مس خاتون‌آباد تعدادی از کارگران را اخراج می‌کند. کارگران اخراج شده همراه خانواده‌های خود در اعتراض به این اخراج‌ها در مقابل کارخانه به مدت ۸ روز دست به تحصن و بستن جاده منتهی به ذوب مس می‌زنند. نیروهای سرکوبگر وارد عمل می‌شوند و کارگران و خانواده‌ها آنها را به گلوله می‌بندند. روز شنبه ۴ بهمن، مردم شهرستان بابک در اعتراض به این کشتار دست به راهپیمایی و اعتراض می‌زنند. نیروهای گارد ویژه بار دیگر به صحنه می‌آیند و مردم را به گلوله می‌بندند. بنا به گزارش منابع گوناگون تعداد کشته‌ها به ۶ تا ۷ نفر افزایش می‌یابد. در همین حال گزارش شده است که دنبال حمله نیروهای سرکوبگر، مردم با آنها درگیر شده و ضمن حمله به ساختمان‌های دولتی و بانک‌ها، شیشه‌های برخی از آن‌ها را شکستند. سایت خبری کرمان گزارش داد: حدود هشت روز است که تعدادی از مردم خاتون‌آباد شهر بابک کرمان در برابر دروازه کارخانه ذوب مس تجمع کرده‌اند. این تعداد که اکثر آن‌ها را زنان مسن تشکیل می‌دادند، تقاضای خود را اشتغال اعضای خانواده خود ذکر می‌کردند. بر اساس گزارش‌های رسیده کارخانه ذوب مس دست به استخدام کارگر از شهرهای دیگر زده است و تحصن‌کنندگان خواهان آن هستند که کارگران محلی بیکار استخدام شوند.

تجمع اعتراضی کارکنان

بیمارستان قم

روز سه‌شنبه ۷ بهمن برابر با ۲۷ ژانویه، ۲۰۰۴ تن از کارکنان بیمارستان تعطیل شده بهشتی قم در اعتراض به توقیف و بلوکه شدن یک میلیارد تومان مطالبات عقب افتاده خود که به حساب دانشکده علوم پزشکی قم واریز شده، در مقابل دادگستری این شهر اجتماع کردند، اما تجمع آنان مورد تعرض نیروهای سرکوبگر رژیم قرار گرفت. روز چهارشنبه ۸ بهمن، ۱۰۰ تن از کارکنان این بیمارستان در ادامه اعتراضات خود در مقابل مرکز تلویزیون قم اجتماع کردند. نماینده کارکنان معترض ضمن اعتراض به عملکرد دادگستری قم و ضرب و شتم اجتماع‌کنندگان گفت: برخی می‌خواهند قضیه را سیاسی کنند. وی تأکید کرد: مبلغ یک میلیارد تومان واریز شده به حساب دانشکده مختص مطالبات معوقه پرسنل بوده و نباید به سایر بدهی‌های بیمارستان تعلق گیرد. وی تصریح کرد اعتراضات آنان تا حصول نتیجه ادامه خواهد داشت و این احتمال وجود دارد در روزهای آینده در اعتراض به عملکرد دادگستری قم در مقابل قوه قضائیه نیز تجمعی برگزار کنند.

اعدام سه نفر...

در کرج نیز فردی به نام محمود بعد از نود و نه ضربه شلاق در محوطه زندان رجائی شهر کرج اعدام گردید.

تحصن اعتراضی معلمان

معلمان در اعتراض به بی‌توجهی به خواسته‌هایشان از روز ۲۷ تا ۲۹ دی در مدارس دست به تحصن زدند. این تحصن که از سوی تمامی معلمان مناطق شهری تهران و سراسر کشور حمایت می‌شد منجر به تعطیلی کلاس‌های درس بسیاری از مدارس در تمامی مقاطع تحصیلی شد. معلمان در آخرین روز از تحصن خود تأکید کردند در صورت بی‌توجهی به خواسته‌ها و مطالبات‌شان به تحصن ادامه خواهند داد.

رضا صراف، نماینده منتخب معلمان منطقه ۴ تهران و عضو کانون صنفی معلمان درخصوص تحصن معلمان به خبرنگاران گفت: حق مطالبات معلمان، سازمان برنامه و بودجه متعهد شده بود که طرح نظام هماهنگ پرداخت حقوق کارمندان آموزش و پرورش در اختیار دولت و مجلس قرار گیرد، متأسفانه این وعده تاکنون متحقق نشده است.

وی تأکید می‌کند با توجه به این موضوع کانون صنفی معلمان که در حقیقت یکی از تشکل‌هایی است که از حقوق معلم‌ها حمایت می‌کند برنامه‌هایی در اعتراض به این امر اختصاص داده بود که در نهایت آخرین برنامه اعلام شده از سوی کانون صنفی این بود که معلمان سه روز اول این هفته را تحصن کنند و به عنوان اعتراض از حضور در کلاس‌های درس خودداری کنند و خوشبختانه این امر یک حالت فراگیر پیدا کرد. وی درخصوص بی‌توجهی و بی‌اعتنایی کارگزاران رژیم به این تحصن گفت: مقامات تاکنون هیچ عکس‌العملی نشان نداده و هیچ کدام حتی نپرسیدند که دلایل این تحصن چه بوده و بی‌افزود: اگر بی‌توجهی به همین نحو ادامه یابد تحصن مستمر خواهد شد تا جایی که بتوانیم به حقوق طبیعی خود برسیم.

اعتصاب معلمان در شیراز

معلمان شیراز در اعتراض به عدم وصول مطالبات‌شان، ۱۸۸ واحد آموزشی شیراز را به تعطیلی کشاندند. اعتصاب معلمان زمانی شکل گرفت که کانون فرهنگیان شیراز از معلمان خواست روزهای چهارم تا ششم بهمن از رفتن به کلاس‌های درس خودداری کنند. در پی این دعوت، معلمان ۵۵ واحد آموزشی شبفت صبح و ۱۳۳ واحد آموزشی نوبت بعدازظهر کلاس‌های درس خود را تعطیل کردند. در این میان تعدادی از معلمان نیز با صدور اطلاعیه‌ای از دانش‌آموزان خواستند آنها نیز به مدرسه نروند. این گزارش حاکی است، در پی تعطیلی این مدارس، دانش‌آموزان برخی از این واحدهای آموزشی اقدام به شکستن شیشه‌های کلاس‌های خود نمودند. کانون فرهنگیان شیراز اعلام داشته است، در صورت عدم تحقق خواسته‌هایش، در اسفند ماه نیز اقدام مشابهی را سازماندهی خواهد.

اعدام جوانی که در سن ۱۷ سالگی

مرتکب قتل شده بود

رژیم جمهوری اسلامی جوان ۲۱ ساله‌ای را به اتهام اینکه در سن ۱۷ سالگی مرتکب قتل شده بود روز یکشنبه ۵ بهمن ۱۳۸۲ برابر با ۲۵ ژانویه ۲۰۰۴ اعدام کرد. معاون دادستانی ایلام اعلام کرد محمد محمدزاده که در سال ۷۸ در سن ۱۷ سالگی مرتکب قتل شده بود سحرگاه روز یکشنبه در زندان ایلام اعدام شد. این جوان انگیزه قتل را مسائل ناموسی عنوان کرده بود.